

بهائیت، در دامن صهیونیسم

کالبدشکافی مظلوم‌نمایی اخیر بهائیان

کد خبر: ۱۹۶۵۶

تعداد بازدید: 9262

۵ دی ۱۳۸۳ - قبل از ظهر ۱۰:۴۶

حامد فرهادی

در چند سال گذشته از گوشه و کنار کشور خبرهای خلاف انتظاری در مورد فعالیتهای فرقه بهائیت شنیده می‌شود که نمونه آخر آن نامه پراکنی بی پروای این فرقه در داخل کشور با محتوای مظلوم‌نمایانه است. گویا فشار سازمانهای بین‌المللی به اصطلاح مدافع حقوق بشر و دولتهای غربی بر دولتمردان ما اثر کرده و آنها را در برخورد با این فرقه دچار تردید و سستی کرده است.

با اینهمه، صرف نظر از عقاید خرافی، کفرآمیز و ضداسلامی موجود در بهائیت، واقعیتی که راه هرگونه توجیه و استدلال را برای عدم برخورد قاطع با این فرقه می‌بندد، پیوند بهائیت با صهیونیسم است که گویا چندان مورد توجه مسئولان کشور قرار ندارد. چه خطری بالاتر از اینکه سرسپردگان اسرائیل نه در فلسطین اشغالی که در بیخ گوش خودمان مشغول به فعالیت باشند و نه تنها با آنها برخورد نشود، بلکه از سوی برخی دستگاههای کشور به آنها آزادی عمل داده شود؟

بنابراین، به بیان شمه‌ای مختصر از وابستگی فرقه بهائیت به صهیونیسم می‌پردازیم با این امید که مسئولان امنیتی و قضایی کشور با در نظر داشتن این وابستگی در خشکاندن ریشه‌های فاسد این فرقه وسواس بیشتری نشان دهند:

1- مرکز فرقه بهائیت و اماکن به اصطلاح زیارتی آن در فلسطین اشغالی و بخصوص شهرهای «عکا» و «حیفا» واقع شده است. سالها پیش، بابیان بهایی (بهائیان) جسد علی محمد شیرازی اولین خدا و پیامبر خویش را به اسرائیل منتقل کردند و با همکاری و مساعدت رژیم صهیونیستی بارگاه باشکوهی برای او بنا کردند. در این خصوص اشاره به خبر زیر به نقل از مطبوعات مناسب است:

«سه‌شنبه اول خرداد 1380 در سالروز رحلت حضرت رسول اکرم(ص) رژیم اشغالگر قدس بار دیگر به جهان اسلام اهانتی گستاخانه نمود. سران رژیم صهیونیستی با راه اندازی جشن و پایکوبی برای جمعی از فرقه ضاله بهائیت یک ساختمان دوپست و پنجاه میلیون دلاری را به عنوان پایگاه جهانی بهائیت در ارتفاع «کرمل» شهر «حیفا» افتتاح نمودند.

ساخت این مجموعه عظیم ساختمانی با حمایت مستقیم اسحاق رابین، نخست‌وزیر معدوم رژیم صهیونیستی، از سال 1372 و زیر نظر دو بهایی فراری ایرانی به نامهای مهندس حسین امانت و دکتر فریبز صها تحت شدیدترین تدابیر امنیتی آغاز شد. این تصمیم پس از برگزاری اجتماع سراسری سال 1992 سران فرقه بهائیت در نیویورک زیر نظر «سیا»، «اینتلجینس سرویس» و «موساد» با هدف ایجاد قوس یا زیارتگاه متناسب با شأن پیامبر دیانت باری در مدفنش به مسئولان رژیم اشغالگر فلسطین ابلاغ شده بود. ارکستر سمفونیک اسرائیل در این مراسم حاضران را که در میان آنها مسئولان سیاسی، اقتصادی و امنیتی صهیونیستها و برخی چهره‌های شناخته شده بهائیت در آمریکا و اروپا نیز دیده می‌شدند، جهت دعا و نیایش همراهی می‌کرد.

نکته مهم و قابل توجه در این تجمع، حضور خبرنگاران رادیو و تلویزیون‌های مختلف جهان برای ایجاد پوشش علنی صوتی و تصویری افتتاح این کاخ می‌باشد. از جمله محورهای که برگزارکنندگان مراسم از کانال این خبرنگاران دنبال می‌کردند می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- دولت اسرائیل با نهایت افتخار می‌تواند میزبان همه بهائیان تحت ستم در جهان علی‌الخصوص بهائیان ساکن در جهان اسلام باشد.

- آثار این دیانت مدرن و پیشرفته که متناسب با جهان توسعه‌یافته قرن بیست و یکم است، به صدها زبان و لهجه جهانی ترجمه و منتشر شده است و می‌تواند در برابر سایر برداشتها و قرائتهای عقب افتاده و متحجرانه بایستد.

- رویکرد به بهائیت رو به گسترش است و بهائیان که متعادل به دولت اسرائیل اند، در جهان بیش از 6 میلیون نفرند!

2- سران بهائیت و سران صهیونیسم از ابتدا روابط علنی نزدیکی با یکدیگر داشته اند، به عنوان مثال می‌توان به این موارد اشاره کرد:

- شرکت «هربرت ساموئل»، یهودی صهیونیست (و اولین کمیسر عالی انگلیس در فلسطین در دوران قیمومت انگلیس) در مراسم تشییع جنازه عبدالباها سومین خدا و پیامبر بهائیان(1)

- هنگامی که در سال 1947 سازمان ملل کمیسیونی مرکب از نمایندگان یازده کشور را برای ارائه نظر در مورد آینده فلسطین به منطقه اعزام کرده بود، رهبر بهائیان در نامه‌ای به این کمیسیون، یهودیان را بیش از مسلمانان و مسیحیان نسبت به بیت‌المقدس محق معرفی کرد و از این نظر تنها بهائیت را همسنگ با یهودیان برشمرد.(2)

- ملاقات رئیس جمهور اسرائیل با «شوقی افندی» (پیشوای بهائیان بعد از عبدالباها) در فروردین 1332 که در این دیدار شوقی افندی، نظر مساعد و تمایل بهائیان را نسبت به اسرائیل اعلام کرد و آرزوی بهائیان را برای ترقی و سعادت اسرائیل برشمرد و رئیس جمهور اسرائیل هم ضمن تقدیر از اقدامات و مجاهدات بهائیان در کشور اسرائیل، آرزوی قلبی خویش را برای موفقیت بهائیان در اسرائیل و سراسر گیتی اظهار داشت و از خاطره مشرف شدن خدمت عبدالباها پیشوای سابق بهائیان در چندین سال قبل یاد کرد.(3)

- در همین زمینه می‌توان به جمله‌ای از روحیه «ماکسول»، همسر آمریکایی شوقی افندی و از رهبران بهائیت اشاره کرد که خود گویای همه چیز است: «سرنوشت و آینده اسرائیل و بهائیکری چون حلقه‌های یک زنجیر به هم پیوسته است.»(4)

3- چه در غرب و چه در ایران، درصد قابل توجهی از بدنه بهائیت را یهودیانی تشکیل می‌دهند که به این فرقه گرویده اند. اگر از کسانی که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی پیگیر جریان بهائیت بوده اند و یا از کسانی که مدتی در یکی از کشورهای غربی اقامت داشته اند سنوال کنید، تأیید خواهند کرد که بیش از همه یهودیان بوده اند و هستند که به این فرقه می‌پیوندند. به عنوان نمونه می‌توان به گرویدن دسته جمعی یهودیان همدان به این فرقه و نقش «ملا الیاهو» و «ملا لاله زار» دو نفر از بزرگان یهود در تقویت جنبش معروف «ظاهره قره‌العین» در تبلیغ بایگاری اشاره کرد.(5) همچنین می‌توان به ترکیب اعضای اولین «بیت‌العدل» اعظم بهائیان که سیاستگذاری بهائیان جهان را به عهده دارد، اشاره کرد. از میان نه نفر اعضای آن تنها یک نفر ایرانی دیده می‌شود که او هم یک یهودی به نام لطف ا... حکیم است.(6) در مورد نقش فوق العاده یهودیان در تقویت بهائیت در ایران می‌توان به مقاله تحقیقی و مستند «جستارهایی از تاریخ بهائی گری در ایران» نوشته آقای عبدالله شهبازی رجوع کرد که در این آدرس اینترنتی قابل مطالعه است: <http://www.shahbazi.org/pages/bahaim1.htm>

4- در این بند به قسمتهایی از سه گزارش که مأموران ساواک از جلسات بهائیان ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تهیه کرده اند، اشاره می‌کنیم. این سه سند به خوبی پیوند این فرقه را با زرسالاری یهود و صهیونیسم نشان می‌دهند:

الف) گزارش ساواک از جلسه ناحیه 2 بهائیان شیراز، مورخ 1350/5/19: «جلسه‌ای با شرکت 12 نفر از بهائیان ناحیه 2 شیراز در منزل آقای هوشمند و زیر نظر آقای فرهنگي تشکیل گردید. پس از قرائت مناجات شروع و خاتمه و قرائت صفحاتی از کتاب لوح احمد و ایقان، آقای فرهنگي و محمدعلی هوشمند پیرامون وضع اقتصادی بهائیان در ایران صحبت کردند... فرهنگي اظهار داشت: بهائیان در کشورهای اسلامی پیروز هستند و می‌توانند امتیاز

هر چیزی را که می‌خواهند بگیرند. تمام سرمایه‌های بانکی و ادارات و رواج پول در اجتماع ایران مربوط به بهائیان و کلیمیان می‌باشد. تمام آسمان خراش‌های تهران، شیراز و اصفهان مال بهائیان است. چرخ اقتصادی این مملکت به دست بهائیان و کلیمیان می‌چرخد. شخص هویدا بهایی زاده است. او یکی از بهترین خادمان امرالله است و امسال مبلغ پانزده هزار تومان به محفل ما کمک نموده است. آقایان بهائیان! نگذارید کمر مسلمانان راست شود!...» (7)

ب) گزارش ساواک از محفل شماره 4 بهائیان به تاریخ 47/3/7 «...عباس اقدسی گفت: دولت اسرائیل در جنگ 46 و 47 قهرمان جهان شناخته شد و ما جامعه بهائیت، فعالیت این قوم عزیز یهود را ستایش می‌کنیم...» (8)

ج) گزارش مورخ 46/9/9: «...شنیده شده است چندی قبل بهائیان ایران مبلغ هنگفتی که چندین میلیون تومان بوده به اسرائیل کمک کرده اند. البته تصور می‌رود کمک بهائیان از طریق آقای غفوری نمایندگی سیاسی اسرائیل در ایران و وسیله حبیب القانیان که تماس مستقیم با حبیب ثابت (کلان سرمایه دار معروف) که قبلاً یهودی و اهل کاشان بوده است، انجام گردیده. زیرا از قرار معلوم سرمایه محفل و وجوه جمع آوری شده بهائیان ماهیانه به نام خیراله در صندوقی نزد حبیب ثابت می‌باشد و مشار الیه این پولها را به ربح می‌دهد. لکن مبلغ کل جمع آوری شده فعلاً نامعلوم است.» (9)

5- یکی از زمینه‌های پیوند بهائیت با زرسالاری یهود، سازمان صهیونیستی و نیمه مخفی فراماسونری است. تعلیمات بهائیت انطباق زیادی با تعلیمات فراماسونری دارد که از جمله آنها می‌توان به جدایی دین از سیاست، تسامح و تساهل، تشکیل حکومت واحد جهانی، تطابق دین با عقل جزئی و علوم تجربی و... اشاره کرد.

اصولاً در میان نخبگان فراماسونری ایران، نسبت بالایی از بهائیان وجود دارند که افرادی همچون «علیق‌لی نبیل الدوله»، «میرزا آقاخان کرمانی»، «ابراهیم حکیمی»، «سید جمال واعظ»، «ذبیح الله قربان»، «احسان یارشاطر»، «امیرعباس هویدا»، «پری اباضلی» و... از این دسته اند. به عنوان نمونه ای از همکاری بین فراماسونری و بهائیت می‌توان به سفر سالهای 1911 تا 1913 عباس افندی (عبدالبها) به آمریکا اشاره کرد که به عنوان نقطه عطف در تاریخ این فرقه از آن یاد می‌شود. در طول این سفر کوشش می‌شد تا «این پیغمبر نوظهور شرقی» به عنوان نماد پیدایش مذهب جدید انسانی و آرمان فراماسونری معرفی شود. بررسی جریان این سفر و مجامعی که عباس افندی (عبدالبها) در آن حضور می‌یافت، ثابت می‌کند که کارگردان اصلی این نمایش «انجمن جهانی تنوسوفیستی» یکی از محافل عالی فراماسونری غرب بود. او به ویژه در آمریکا در مجامع متعدد فراماسونری حضور یافت و سخنرانی کرد. (10)

پی‌نوشت:

- 1- بهرام افراسیابی، تاریخ جامع بهائیت، انتشارات سخن، صفحه 556
- 2- همان، صفحه 569 تا 571
- 3- همان، صفحات 572 و 573
- 4- مجله اخبار امری، ارگان بهائیت ایران، دی ماه 1340، صفحه 60
- 5- سید سعید زاهد زاهدانی، بهائیت در ایران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، صفحه 134
- 6- ر.ک: بهرام افراسیابی فصل «شوقی افندی جانشین عبدالبها»
- 7- عبدالله شهبازی، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، جلد دوم، صفحه 385
- 8- بهرام افراسیابی، صفحه 752
- 9- سازمانهای یهودی و صهیونیستی در ایران، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، صفحه 536
- 10- عبدالله شهبازی، نظریه توطئه، صعود سلطنت پهلوی و تاریخنگاری جدید در ایران، صفحات 69 تا 74

نظرات کاربران :

- من برای نویسنده خیلی متاسفم که بدون تحقیق این مطالب را دیکته کرده است انشاءالله به اشتباه خودش پی ببرد (تا دیر نشده)
- از اینکه تبلیغ برای بهایها میکند تبریک میگویم تهیه کننده این گزارش پول خوبی باید از رئیس بهائیان بگیرد

• با سلام خدمت همه دوستان

بنده ساکن پاریس هستم و در اوقات فراغت مطالعاتی در ادیان و فرقه های مختلف می‌کنم در جهت افزایش دانسته های شخصی خودم. فرقه ضالّه بهایی در پاریس ودر یکی از بهترین مناطق دارای يك مرکز و کتابخانه است . يك روزی بنده مراجعه کردم به این مرکز و از مسئول کتابخانه خواستم کتاب بیان به زبان فارسی را که نوشته سید علی محمد شیرازی موسوم به باب را در اختیار من بگذارند که مطالعه کنم .مسئول کتابخانه رفت رییس را صدا کرد که يك ایرانی بود . طرف با بنده وارد بحث شد که این کتاب را برای چي میخواهید مطالعه کنند من گفتم برای فهمیدن عقاید باب . آخر کار طرف گفت کسی این کتاب را ندارد و فقط در اختیار پیشوایان است که بخش هایی را در يك کتاب دیگر آورده اند . به این شخص گفتم پس چطور است که تمام کتب آسمانی چاپ و در اختیار همه هست ولی مال شما نیست جواب داد این کتاب اینقدر مهم و مقدّس است که دست کسی داده نمیشود و فقط علمای بهایی به آن دسترسی دارند (نوی دلم گفتم خر باباته) از قرار ی که بنده شنیده ام چنان چرندتانی در این کتاب هست که میتوان آن را با کتاب مسخره مقایسه کرد و خواند و خندید بنده هم برای خنده میخواستم ببینم

فرخوان بهائیان بر ای سالگرد محمدعلی باب

خبرنگار «بازتاب» گزارش داد، با توجه به تشدید فعالیت فرقه بهائیت در جمهوری آذربایجان طی ماه‌های اخیر، هواداران این فرقه، قصد دارند در سالگرد اعدام محمدعلی باب، نسبت به ایجاد ناآرامی اقدام کنند.

کد خبر : ۱۷۰۲۶

تعداد بازدید : 4988

۱۹ مهر ۱۳۸۳ - قبل از ظهر ۱۰:۵۶

خبرنگار «بازتاب» گزارش داد، با توجه به تشدید فعالیت فرقه بهائیت در جمهوری آذربایجان طی ماه‌های اخیر، هواداران این فرقه، قصد دارند در سالگرد اعدام محمدعلی باب، نسبت به ایجاد ناآرامی اقدام کنند.

بنا بر این گزارش، با تشدید فعالیت فرقه بهائیت در جمهوری آذربایجان، به ویژه باکو که با حمایت دولت آذربایجان انجام می‌شود، اعضای این فرقه تبلیغات خود را در ایران تشدید کردند.

در این راستا، با توجه به سالگرد اعدام محمدعلی باب، مؤسس فرقه بهائیت، در هفته جاری، گروهی از هواداران این فرقه قصد دارند در آذربایجان شرقی، به ایجاد ناآرامی بپردازند.

اعضای این فرقه که پیش از این با مرکزیت اسرائیل به فعالیت می‌پرداختند، به تازگی با انتقال مرکز فعالیت‌های خود به باکو، قصد تشدید اقدامات خود را در ایران دارند.

مهدی جعفری: بازرگان در برابر تاخت و تاز کمونیست‌ها، بهائی‌ها و غرب‌زده‌ها ایستاد

کد خبر : ۲۰۷۰۴

تعداد بازدید : 2240

۲۰ دی ۱۳۸۳ - قبل از ظهر ۱۰:۴۵

سیدمحمد مهدی جعفری، گفت: مهدی بازرگان در دوران پر آشوب پس از مشروطیت در خانواده، آموزش‌های روز را فرا گرفت و برای فرا گرفتن آموزش‌های تخصصی راهی فرانسه شد و فرانسه میزبان جوانی بود که تعالیم و معارف اسلامی را در محیط مذهبی و سنتی فرا گرفته و اکنون با به محیطی ناآشنا با مکتب‌های فکری و زایش‌های سیاسی متضاد گذاشته است.

به گزارش "اِلنا" وی طی سخنانی در همایش علمی - فرهنگی بزرگداشت مهندس بازرگان افزود: بازرگان با کوله‌بار تجربه علمی و اندوخته‌های فکری و اجتماعی و عقیدتی و نگرش نو و تازه به ایران آمد تا اندوخته‌های علمی خود را در آزمایشگاه دانشکده فنی به دانشجویان عرضه کند. جعفری ادامه داد: در آن روزها دانشگاه تهران میدان تاخت و تاز کمونیست‌ها، بهائی‌ها و غرب‌زده‌ها بود که بازرگان با احساس مسوولیت و رسالت اصلاح در برابر همه این جریان‌ها ایستاد.

وی خاطرنشان کرد: پس از شهریور 1320 جریان کمونیستی به نام حزب توده به تبلیغات مخفیانه خود می‌پرداخت و جریان مهین پرستانه ملی که گروه‌های پراکنده بدون تشکیلات منسجم و ایدئولوژی روشن بودند، به فعالیت می‌پرداختند و در کنار آنها جریان مذهبی نیز بدون تشکیلات و ایدئولوژی مدون به فعالیت می‌پرداختند.

وی افزود: مهندس بازرگان با همان احساس مسوولیت به پایه‌ریزی تشکیلاتی مانند انجمن‌های اسلامی مهندسی، دانشجویان معلمین و پزشکان پرداخت و سعی کرد اسلام را آنچنان که بوده به جوانان و روشنفکران و دانشجویان معرفی کند.

جعفری گفت: مهندس بازرگان اهداف و شعارهای نهضت ملی را در راستای برنامه اصلاح‌گرانه خود دید و زمینه مناسب برای فعالیت علمی و مذهبی خود دانست و بی‌آنکه خود را صاحب صلاحیت در امور سیاسی بداند بر تلاش خود افزود و به عنوان رئیس هیأت خلع ید از شرکت نفت ایران و انگلیس از طرف دکتر مصدق انتخاب شد و به آبادان رفت و در آنجا به همان روش مسالمت‌آمیز و به شیوه اسلامی و رعایت اخلاق انسانی عمل کرد.

وی در پایان گفت: در سال 1339 که جبهه ملی دوم تجدید حیات کرد، باز هم به همان انگیزه‌های ملی در صف مقدم جبهه قرار گرفت، لکن چون برنامه مبارزاتی جبهه ملی را از رادیکالیسم و عقاید مذهبی خالی دید، نهضت آزادی ایران را تأسیس کرد.

نظرات کاربران :

• این فرض محال نیست که تصور کنیم فردا قیامت شروع میشود و روز حساب و کتاب است و به همه اعلام کرده اند که امشب دقیقاً به اعمال و نیات خود در دنیا فانی بماندیشید و فردا که روز حساب است و به روایتی پنجاه هزار سال طول میکشد برای جواب دادن و پاداش و عقاب آماده شوید ، فکر میکنید که آقای بازرگان در چه جایگاهی ایستاده است و جواب پس میدهد؟ در هر صورت خدایش او را رحمت کند و بهشت را جایگانش قرار دهد البته من از طرفداران ایشان نیستم و نهضت آزادی را هم قبول ندارم و همیشه فکر کرده ام که بازرگان جدای از گروه مذکور خدمات زیادی به مملکت و اسلام و انقلاب کرده است، آیا این چنین نیست؟ اگر یک نفر در همین پا نویس مرا روشن نماید ممنون خواهم شد.